



نشریه

سہ شنبہ - ۲۰ آبان ۱۳۹۴

۵۹

۱۱ نومبر ۲۰۱۴

زن آزاد

جنبش برابری رھائیں زن

پوشش اختیاری، حق ہر زن





خشونت علیه زنان

لیلا یوسفی

آن‌ها کوشش کردند تا صدای خود را به گوش جهان برسانند و قوانین را به نفع خود تغییر دهند. امروز هم مردم آسیب‌دیده و آواره‌ی کرد، عقب‌نشینی‌های داعش را مدیون زنان قهرمانشان هستند. آن‌ها برعکس داعشیان که خود را با سربریدن و توحش و جنگ و خشونت به دنیا معرفی کردند، با شجاعت و ازجان‌گذشتگی خود، به شهرت رسیدند. زنان در همه جای دنیا فعالانه به مبارزه و تلاش ادامه می‌دهند. در کشورهای اسلامی این مبارزه و تلاش دو صدچندان لازم است تا به ثمر برسد. در این شماره‌ی نشریه و چند شماره‌ی آینده مقالات و مطالبی در خصوص انواع خشونت خواهید خواند. *

خشونت علیه زنان، در هر قشر و طبقه‌ای در جوامع مختلف دیده می‌شود. خشونت خانگی، در محل کار، از جانب اجتماع و انواع دیگری تا به امروز گریبان گیر زنان بوده و در کشورهای مدرن و پیشرفته نهادها و سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف همواره می‌کوشند، ضمن اینکه صدای اعتراضی آن‌ها باشند، چتر حمایت خود را برای تغییر قوانین و تحت پوشش قرار دادن آن‌ها هرروز گسترده‌تر کنند؛ اما در خاورمیانه به دلیل ادغام مذهب و سیاست، همه‌چیز فرق می‌کند و این مسئله را هم بیشتر تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در این منطقه علاوه بر نبود قوانین حمایتی و حقوقی، خصوصاً در این برهه از زمان، در کشورهای اسلامی خشونت علیه زنان عملکردی بی‌سابقه و واپس‌گرایی شدیدی داشته است. از جمله به وجود آمدن حکومت داعش که تماماً ضد زن است و یا حکومتی مثل حکومت ایران که سال‌هاست زنان در جدال با فرهنگ مردسالارانه‌اش هستند و تسلیم قوانین و مصوبات زن‌ستیزانه‌اش نشدند. از طرفی هم در انقلابات و اعتراضات سال‌های اخیر، زنان نقش بسیار پررنگ و تأثیرگذاری را ایفا نمودند. چه در اعتراضات بعد از انتخابات در ایران و چه در مصر و سوریه و دیگر کشورها

به امید روزی که جنسیت، معیار

ارزش گذاری انسان نباشد!

حکومت اسید پاشان، حکومت خشونت و جنایت علیه زنان

سُهلا دانشفر



ریشه نابرابری و تبعیض علیه زنان در سرمایه‌داری مدرن و صنعتی امروز است. در این سیستم با تقسیم جنسی انسان‌ها در عرصه تولید به‌عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی برای تضمین سود سرمایه، زنان تحت ستم و تبعیض قرار می‌گیرند. در کشورهای پیشرفته، با تلاش جنبش‌های آزادی‌خواهانه تبعیض علیه زنان عملاً بسیاری از قوانین جاری عقب زده شده است؛ اما در کشورهایی با قوانین اسلامی که ضدیت با زن اساس قوانینشان است، تبعیض علیه زنان بیشتر و بیشتر اشکال خشونت‌بار به خود گرفته است. از جمله امروز یک کانون دائمی خشونت علیه زن در سطح جهانی، ایران است که سی‌وچند سال است علیه زنان جنایت می‌کند. این حکومتی است که سنگسار می‌کند و بر روی زنان اسید می‌پاشد و خشونت علیه زن هويت و جزئی جدایی‌ناپذیر از قوانین ارتجاعی اسلامی است. در این حکومت دستگاه قضایی و ماشین سرکوب و جنایت حکومت در خدمت این ستم‌کشی و جنایت قرار دارند.

در حاکمیت جمهوری اسلامی زن یک کالای



جنسی و قوانین اسلامی به بردگی زن در جامعه رسمیت می‌دهد. طبق این قوانین زن دارایی مرد و نفقه بگیر او محسوب می‌شود و مهریه نرخ فروش او به مرد است. بر اساس این قوانین مرد رئیس خانواده محسوب می‌شود و زنی که از فرمان همسرش تمرد کند، حشش است که مورد تنبیه مرد قرار گیرد و اگر هم شکایت کند، کسی جوابگویی نیست. به این ترتیب قانون عملاً حامی خشونت علیه زن است و این خشونت در بسیاری مواقع ابعاد جنایت‌باری به می‌گیرد. از جمله هر روز طرح‌هایی چون "طرح تعالی جمعیت"، "اصلاح در قانون کار" و غیره و غیره به جلو کشیده می‌شود و یک هدف اصلی قانون‌گذارانش خانه‌نشین کردن زن و کشیدن کار بیشتر از گرده او در خانه است. در این سیستم زن از پایه‌ای‌ترین حقوق اجتماعی خود چون حق طلاق و نگهداری از کودک و غیره محروم است و از نظر اقتصادی نیز محروم‌ترین بخش جامعه است. در محیط کار به او همچون کالایی نگاه می‌کنند و زیر فشار و تعرض هرروزه برای سوءاستفاده جنسی قرار دارد. این‌ها همه زمینه‌های خشونت بر زنان در خانه، در محیط کار و در کل جامعه را شدت داده است. به این ترتیب زنان در ایران مورد سرکوب و خشونت هرروزه دولتی قرار دارند.

کردن بساط حکومت آپارتاید جنسی‌اش، سی‌وچند سال است که زنان را تحت پیگرد و آزار و اذیت خود قرار می‌دهد و تمام نیروهای سرکوبگرش را به کار گرفته تا پرچم حجاب را برافراشته نگاه دارد و برای این کار زنان را زیر شکنجه و تجاوز قرار داده است. اسیدپاشی‌های اخیر ادامه همین سیاست‌هاست.

چنین ابعادی از توحش را دیگر نمی‌توان با کلمه خشونت، توصیف کرد. این‌ها همه ابعاد تکان‌دهنده جنایتی است که در حاکمیت رژیم اسلامی بر زنان می‌گذرد و کیفرخواست جامعه علیه حکومت اسلامی است.

اما این تمام تصویر نیست. در برابر این جنایات، مردم ایستاده‌اند. در ایران ما با یک جنبش قوی رهایی زن روبرویم که علیه کل این توحش ایستاده است و هرروز قوی‌تر جلوی صحنه می‌آید. جنبش حجاب برگیران، عرصه مهم نبردش است. در برابر این جنبش است که بر روی زنان اسید می‌پاشند تا حکومتشان را از لبه پرتگاه نجات دهند؛ اما مردم با اعتراضاتشان در مقابل این جنایات ایستادند و فصل جدیدی از اعتراض و مبارزه در سطح جامعه گشوده شد و نتیجه‌اش به غلط کردن حکومت بود. این مبارزات را باید ادامه داد. ۲۵ نوامبر روز جهانی علیه خشونت علیه زن، فرصت مناسبی برای تداوم این مبارزات است. برای این روز آماده شویم و به این مناسبت همبستگی خود را با قربانیان اسیدپاشی اعلام کنیم.*

در حکومت اسلامی خشونت علیه زنان، حتی دامن دخترچه‌ها را هم گرفته است. دختران از همان کودکی در زندان حجاب قرار می‌گیرند و با رسیدن به سن ۹ سال به سن تکلیف رسیده و شرعاً می‌توان آن‌ها را شوهر داد. در این سیستم حتی دخترچه بر پدرخوانده خود نامحرم است و بدتر از آن قانوناً پدرخوانده حق ازدواج با او را دارد. این چنین است که قوانین خشونت‌بار اسلامی، تجاوز به کودک را قانونیت داده است. طبق قوانین این حکومت زن اجازه انتخاب همسرش را ندارد و کودکان بسیاری در سن کودکی وادار به ازدواج می‌شوند و رسماً در چهارچوب خانواده و ازدواج اسلامی به زن تجاوز می‌شود.

در حکومت اسلامی باندهای تن‌فروشی به اسم صیغه مشغول سوداگری "فحشا" و حتی فروش دختران زیر ۱۲ سال هستند. در این رژیم حکومت بانی و تقویت‌کننده فرهنگ ضد زن مردسالارانه در سطح خانواده و جامعه است؛ و در پناه آن تحت عنوان دفاع از "ناموس" جنایت‌ها صورت گرفته است.

تحت قوانین ارتجاعی اسلامی در ایران زنان بسیاری سنگسار شده‌اند و زنانی چون ریحانه جباری که در برابر فردی که قصد تجاوز به او را دارد می‌ایستد و از خود دفاع می‌کند، اعدام می‌شود، زیرا که در مقابل کل دستگاه قضایی و ماشین سرکوبشان ایستاد و نه گفت.

رژیم اسلامی برای حاکم کردن حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی و بر پا

یادواره‌ی ریحانه

مصاحبه با مینا احدی



ریحانه جباری در روز ۲۵ اکتبر در زندان رجایی شهر اعدام شد. در رابطه با این موضوع با مینا احدی دبیر کمیته بین‌المللی علیه اعدام مصاحبه‌ای انجام شد که در زیر می‌خوانید:

زن آزاد: چگونه با این موضوع آشنا شدید؟ چه کسی و یا کسانی از کمیته علیه اعدام و یا شما خواستند در این مورد اعلام کمپین کنید؟

مینا احدی: من هفت سال قبل بعد از یک سخنرانی در شهر برلین، با عموی ریحانه آشنا شدم و ایشان در مورد ریحانه و احتمال محکوم شدن او به اعدام با من حرف زد و درخواست کرد که ما برای ریحانه اعلام کمپین کنیم. من به ایشان گفتم با ما تماس بگیرید و سپس درخواست کردم که عکس ریحانه را برای ما



پس در مورد ریحانه با یک پرونده امنیتی روبرو هستیم. باندهایی درون رژیم یک ترور انجام داده‌اند و ریحانه را نیز به‌نوعی به این ماجرا کشانده‌اند و یا شاید دو نفر یعنی سربندی و شیخی فقط قصد تجاوز به یک دختر را داشتند و ظاهراً آن خانه مزبور محل آوردن دختران دیگری نیز بوده و همسایه‌ها از رفت‌وآمد دختران دیگر به این خانه گفته‌اند و سپس وقتی ریحانه درگیر می‌شود و از خود دفاع می‌کند آن نفر بعدی شیخی ظاهراً زمینه را فراهم دیده که سربندی را به قتل برساند و چیزهایی از خانه دزدیده‌اند که برای سربندی مهم بوده و فریاد دزد دزد سر داده.

زن آزاد: ارتباط این پرونده به موقعیت زنان در ایران چیست؟

مینا احدی: ریحانه یکی از قربانیان تجاوز در ایران هست. در ایران حکومتی سرکار است که زن را شایسته تجاوز می‌داند. آن‌ها معتقدند خدا زن را برای تمتع مردان آفریده و تجاوز به زنان جزو واجبات این‌ها است. روزانه در رسانه‌ها و در منابر و مساجدشان، تحقیر زنان، بی‌حرمتی به زنان و زمینه‌سازی برای تجاوز به زنان را پیش می‌برند و وقتی یک زن در موقعیت شبیه ریحانه قرار گرفت، اگر از خود دفاع کند، همواره با این معضل روبرو



بفرستند و آماده بودیم کمپینی اعلام کنیم؛ اما خانواده ریحانه تصمیم گرفتند بدون علنی کردن پرونده، برای نجات جان عزیز خودشان اقدام کنند و هفت سال دوندگی به نتیجه نرسید و سپس درحالی که ریحانه در آستانه اعدام بود، این خبر را علنی کردند و ما چند نفر یعنی من و شبنم اسداللهی و شادی پاوه و نازنین افشین جم در جریان این موضوع قرار گرفته و باهم اعلام یک کمپین برای نجات ریحانه کردیم. طبعاً قبل از اعلام کمپین با خانواده ریحانه حرف زدیم و موافقت آن‌ها را داشتیم.

زن آزاد: به‌طور خلاصه پرونده ریحانه چه بود؟

مینا احدی: ریحانه یک دختر دانشجو در ایران بود. او می‌خواست درس بخواند و شغل خوب داشته باشد و زندگی کند. او همان موقع دوست‌پسر داشت و مثل هر دختر معمولی در ایران می‌خواست از زندگی‌اش لذت ببرد و مشغول آماده ساختن آینده خود بود. متأسفانه در یک واقعه ناخواسته، او از طرف یک نفر به اسم سربندی و همراه او به اسم شیخی، در یک بستنی‌فروشی، درحالی که تلفنی حرف زده، به‌نوعی شناسایی می‌شود و آن‌ها او را به‌عنوان یک طعمه در نظر می‌گیرند. به ریحانه ظاهراً پیشنهاد یک کار طراحی ساختمان برای تبدیل کردن آن به مطب داده می‌شود و او را به درون خانه‌ای می‌کشانند، به‌قصد تجاوز! او با سربندی به خانه‌ای می‌رود که متعلق به عمه این فرد بوده و وقتی در این خانه با قصد تعرض این مرد به خود مواجه می‌شود، برای دفاع از خود هنگام درگیری، در یک‌لحظه چاقویی را که در آنجا بوده در دست گرفته و با زدن یک ضربه می‌خواهد از دست این مرد فرار کند، در این لحظه شیخی که فرد دومی بوده که ریحانه او را همراه با سربندی دیده وارد خانه می‌شود و به‌محض باز شدن در ریحانه فرار می‌کند و سپس هم به آمبولانس زنگ می‌زند و خبر می‌دهد که یک نفر در این ساختمان زخمی است. او همان شب دستگیر می‌شود و به او اتهام قتل عامدانه زده می‌شد و سپس هم با همین اتهام به اعدام محکوم شد.

زن آزاد: یعنی موضوع دفاع از خود ریحانه به رسمیت شناخته نمی‌شود؟

مینا احدی: خیر، دفاع از خود را به رسمیت نمی‌شناسند و مسئله این بود که سربندی یکی از عناصر رژیم اسلامی بوده، گفته‌شده همکار قبلی، ولی به نظر می‌رسد چندان هم قبلی نبود، این یک نکته و موضوع دوم این است که ظاهراً در درون وزارت اطلاعات و احتمالاً درگیری مالی بین باندهایی از وزارت اطلاعات، سربندی به قتل می‌رسد، دو نکته در حرف‌های ریحانه و همچنین همسایه‌ها وجود دارد که باید توجه کرد. اول اینکه سربندی از پله‌ها پایین دویده و گفته دزد، دزد و دوم اینکه در جلسه صلح و سازشی که چند ماه قبل در تهران بود برادر سربندی می‌گوید با شلیک گلوله برادرم کشته‌شده و این حرف بعداً ناشیانه از طرف پسر سربندی جلال سربندی یعنی همان کسی که چهارپایه را از زیر پای ریحانه کشید، با گفتن اینکه این حرف عمومیم یک سوءتفاهم بوده ماست مالی شد.

که با استقبال کم نظیری در جهان روبرو شد. حدود ۳۰۰ هزار امضا علیه یک حکم اعدام کم نیست. همین توجه‌ها را بیشتر به این پرونده جلب کرد. این داستان زندگی زن جوانی بود که در معرض خطر تجاوز بود و از خود دفاع کرده بود و قتل یک مأمور وزارت اطلاعات رژیم را زیر شکنجه قبول کرده بود. این داستان زنی بود که در سیستم قضای ناعادلانه به اعدام محکوم شده بود در حالی که پرونده دستکاری شده جعبه سیاه گم شده و قاضی و بازپرس و بقیه هر یک چیزی می‌گفتند، تناقض در حرف‌های این افراد زیاد بود. این پرونده زنی بود که خود از خود دفاع می‌کرد و این مهم بود.

دل نوشته‌های ریحانه، بهترین دفاع این زن جوان از خود بود. او همه چیز را نوشت و به گوش مردم دنیا رساند. مردم یک زن جوان آزاده را می‌دیدند که بسیار باهوش، خوش فکر، عاقل و انسان دوست بود؛ و در عین حال همه می‌دیدند که چه رفتار ظالمانه‌ای با او شده است. از اینجا به بعد کمپین را ریحانه خود رهبری می‌کرد. حرف‌هایش، درد دل‌هایش و کیفرخواست او علیه نظام و علیه زن ستیزی این افراد و علیه زندانبان‌ها و غیره به قلب مردم دنیا می‌نشست و به همین دلیل ریحانه قدم به خانه‌های مردم گذاشت و در قلب میلیون‌ها نفر جا گرفت.

یک موضوع هم نقش مادر ریحانه بود زنی که با شجاعت و عقلانیت کامل برای نجات جان عزیزش می‌جنگید و همه این‌ها دست‌به‌دست هم داده و باعث شد که ریحانه و سرنوشتش جهانی بشود. هیچ رسانه‌ای در دنیا نیست که در این مورد چیزی نگفته باشد هیچ زبان رسمی جهانی نیست که در مورد ریحانه به این زبان ننوشته باشند. ریحانه در صدر اخبار جهان است و زنان از بنگلادش و تا تونس تا افغانستان و عراق و مصر تا امریکا و آلمان و کانادا از این دختر جوان حرف می‌زنند. زنان در ایران در سرنوشت ریحانه، خود را می‌بینند و در دل‌آوری و رشادت ریحانه، یک قهرمان را می‌بینند که در بدترین شرایط کوتاه نیامده و از حرمت خود و زنان در ایران دفاع کرد.

زن آزاد: متأسفانه ریحانه اعدام شد. الان این کمپین چه می‌خواهد بکند؟

مینا احدی: ما متأسفانه ریحانه را از دست دادیم اما کمپین نجات ریحانه یک واقعه منحصر به فرد در دنیا علیه اعدام بود. هیچ کیسی تاکنون در جهان نتوانسته چنین محبوبیت و چنین توجهی به خود جلب کند. این مهم است این سند محکومیت سیستم قضایی جمهوری اسلامی و سند محکومیت این نظام است.

مابعد از اعدام ریحانه خواهیم کوشید پرونده ریحانه را در یک دادگاه بین‌المللی برده و از قضاوت و وکلای برجسته جهانی بخواهیم این پرونده را بررسی کنند این خواست مادر ریحانه نیز هست. ما باید از دنیا بخواهیم جمهوری اسلامی ایران را به دلیل این جنایت و به دلیل اعدام صدها نفر در همین دوره روحانی جلاله، محکوم کنند.*

است که مردان خدا از این دفاع او ناراضی‌اند و در پیچ‌وخم‌های قانونی او را محکوم کرده و حتی تا پای چوبه دار می‌برند. سیستم ایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی، قوانین و مقامات و آخوندها و زندانبان‌ها همه به نحو کراهت آوری مردسالار و ضد زن هستند. زن در قاموس آن‌ها یک‌تکه لقمه است که باید از آن استفاده کرد و اگر زنی به این تعرض و تجاوز تمکین نکند، به دستورات خدا که خودش یک مرد هست ظاهراً تعرض کرده و باید سر جای خود نشاند. بی‌دلیل نبود که تردست قاضی پرونده ریحانه با لحن مشمزنکننده از ریحانه به‌عنوان یک "خدمات دهنده حرف می‌زند"، لحن بی‌ادبانه دارد و از اینکه ریحانه با اعتماد به نفس بوده، این را یک موضوع منفی در پرونده قلمداد کرده و می‌گوید: از خودراضی است و متکبر و خودشیفته و از اینکه لاک ناخن داشته و یا افراد خانواده‌اش حجاب را کامل رعایت نمی‌کنند حرف می‌زند و همه این‌ها را دلیلی می‌داند بر محکوم کردن ریحانه. در زندان‌های ایران زنان زیادی هستند که محکوم به اعدام هستند و یا متأسفانه تعداد زیادی اعدام شده‌اند، زانی که در مقابل تعرض از خود دفاع کرده‌اند و این موضوع دفاع از خود به حساب نیامده و به اتهام قتل عمد اعدام شده‌اند. اگر اعتراض نبود رژیم این زن‌ها را فوراً اعدام می‌کرد. به دلیل اعتراضات بین‌المللی به این اعدام‌ها تعداد زیادی در زندان مانده‌اند ولی رژیم از آن‌ها انتقام می‌گیرد و سال‌ها سرگردان و در بدترین شرایط آن‌ها را زیر چوبه دار نگه می‌دارد.

زن آزاد: ریحانه چه ویژگی داشت که این چنین جهانی شد؟

مینا احدی: کیس ریحانه جهانی شد چون یک کمپین برای نجات ریحانه اعلام شد. این کمپین با حضور چهره‌های سرشناسی اعلام شده بود وسیعاً خبر این کمپین پخش شد و اولین کار کمپین طومار اعتراضی آن بود





نماینده مجلس: تگ‌نوازی و خوانندگی زنان ضد ارزش‌های دینی است



می‌شوند که به دلیل ممنوعیت قانونی امکان ارائه هنر خود را نمی‌یابند. اخیراً نه‌تنها از تک‌خوانی زنان که از تک‌نوازی و حتی هم‌نوازی زنان نیز جلوگیری می‌شود. حکومت ضجه و روضه و عربده نسبتی با موسیقی و هنر ندارد. این حکومت متعلق به اعماق تاریخ است و هرگز نمی‌تواند خود را با نیازهای جهان امروز هماهنگ کند. توقع دیگر از چنین حکومتی داشتن نهایت خام‌خیالی است. در روز سرنگونی این نظام عقب‌مانده، صداهای در گلو مانده زنان ایران و نوای سازهایشان این فسیل‌ها را تا اعماق گور بدرقه خواهد کرد.*

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی: تگ‌نوازی و خوانندگی زنان یکی از حرمت‌هایی است که در کشور شکسته شده و این موضوع ضد باورها و ارزش‌های دینی مردم ایران تلقی می‌شود؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس‌جمهور نسبت به رواج این موضوع مسئول بوده و باید پاسخگو باشند.

بحث بر سر حضور زنان در عرصه موسیقی همچنان ادامه دارد. مسئولین نظام مدام یکدیگر را به اهمال و کم‌کاری در این زمینه متهم می‌کنند. تصور می‌کنند دلیل رشد و گسترش موسیقی میان زنان تقصیر فلان فرد یا فلان نهاد حکومتی است؛ اما واقعیت جز این است. این جوانان و زنان ایران هستند که فضا را چنان بر سران و مسئولین رژیم تنگ کرده‌اند که ناچارند گاهی زیرسبیلی رد کنند. تمایل به موسیقی هرگز در میان زنان ایران فروکش نکرده است. حتی در سال‌های سیاه و خونین دهه شصت که حمل ساز هم جرم محسوب می‌شد، جوانان ایران در خانه‌ها به آموزش موسیقی می‌پرداختند. کوهی از توانایی و استعداد درزمینه‌ی موسیقی در میان زنان و دختران ایران وجود دارد. نوازندگان و خوانندگان زن فراوانی یافت

بازداشت فعال حقوق زنان در عربستان سعودی به اتهام دعوت به نافرمانی



سعود الشماری، حقوق‌دان و فعال حقوق زنان و از مؤسسان پایگاه اینترنتی "شبکه لیبرال عربستان" روز شنبه ۲۸ اکتبر در شهر جده بازداشت شد. وی متهم با دعوت به "نافرمانی" شده؛ چراکه کشور عربستان سعودی را به‌عنوان جامعه‌ای تحت سلطه مردان تصویر کرده است. افزون بر آن وی در اشاره به متون مذهبی و عالمان دینی لحن "تمسخرآمیز" داشته است.

وضعیت زنان در جامعه عربستان بسیار اسفناک است. عدم امکان رانندگی و حق رأی برای زنان تنها گوشه‌ای از ستمی است که حکومت متحجر و مردسالار عربستان سعودی بر زنان روا می‌دارد. در سال‌های اخیر اما جنبش آزادی‌خواهانه زنان در عربستان بسیار فعال شده و به احقاق حقوق

جنبش زنان در ایران باشند. هرچند سابقه و رادیکالیسم جنبش زنان در ایران بسیار بیشتر است اما تشابهات زیادی میان حکومت‌های دو کشور و خاستگاه شان وجود دارد. تفکرات پوسیده و عقب‌مانده اسلامی و ضدیت و عداوت آن با زنان فصل مشترک هر دوی این حکومت‌ها است. این وضعیت البته در سایر کشورهای اسلام زده نیز وجود دارد. همکاری و تبادل تجربیات زنان در تمام این کشورها می‌تواند یک‌بار برای همیشه زنان جهان را از شر کابوس اسلام سیاسی و تفکرات زن‌ستیزانه آن خلاص کند.*

خود می‌پردازد. برخلاف تصویری که حکومت عربستان سعی در القای آن به جهان دارد تا جامعه عربستان را مهد اسلام و کاملاً معتقد به آن معرفی کند، سکولاریسم و آنتیسیسم در آن کشور رو به رشد است. زنان عربستان با دیگر زنان جهان در ارتباطی مستقیم و روزمره قرار دارند و حق و حقوق خود را به‌درستی می‌شناسند. حکومت مفت‌خور و جنایت‌کار عربستان با در دست داشتن منابع عظیم مالی همچنان سعی دارد جامعه را به قهقرا ببرد و با تحمیل مردم به چاپیدن آن‌ها بپردازد. زنان پیشرو و آزادی‌خواه عربستان در راه رسیدن به خواست‌های خود می‌توانند متحد خوبی برای

بازداشت و احضار زنان معترض به جای اسیدپاشان

این مطلب را ثابت خواهد کرد. امروزه دیگر برای همگان روشن است که انقلابی در راه است، انقلابی زنانه.*



در پی اسیدپاشی عاملان حکومت در شهر اصفهان و چند شهر دیگر، تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر که اکثراً زن هم هستند بازداشت شدند. خبرنگارانی که در پوشش اخبار اسیدپاشی‌ها فعال بودند و یا گزارش و عکس اعتراضات مردمی را منعکس می‌کردند متهمین درجه اول از دید جمهوری اسلامی هستند. واضح است که حکومت می‌خواهد به هر شکل ممکن از پخش خبر اسیدپاشی‌ها و اعتراضات وسیع مردم جلوگیری کند. حکومت به‌درستی می‌داند که علی‌رغم ادعاهای سران رژیم، همه دنیا آن‌ها را مسئول این فاجعه می‌دانند. هرکسی که کمتر آشنایی با این رژیم و اعمال آن داشته باشد به‌راحتی متوجه واقعیت امر می‌شود. باینکه هفته‌ها از ماجرای اسیدپاشی‌ها می‌گذرد اما هنوز حتی به‌صورت فرمالیته کسی را به‌عنوان مجرم معرفی نکرده‌اند. جمهوری اسلامی در این مورد به‌وضوح عقب نشست. اگر غیراز این بود و اگر ما شاهد اعتراض سراسری مردم نبودیم، مطمئناً سریال اسیدپاشی در سایر شهرها هم تکرار می‌شد. اصفهان تنها محل شروع این پروژه کثیف بود؛ اما حکومتیان سیل مخالفت و اعتراض گسترده مردم را دیدند و جرئت تکرار این جنایت را به خود ندادند. دیر یا زود هم مجبورند خبرنگاران بی‌گناه را آزاد کنند. جنبش زنان در ایران در این مقطع قدرت‌نمایی مهمی انجام داد و نشان داد که در مورد سایر مسائل هم اگر متحد و یکپارچه عمل کند به نتیجه می‌رسد. باید برای مقابله با حجاب اجباری هم تجمعات مشابهی سازمان داد و نظام را قدم‌به‌قدم عقب راند. جنبش زنان در ایران پتانسیل عظیمی دارد که شاید خود به‌درستی به آن واقف نیست. تحولات آینده جامعه ایران حقانیت

zaneazad10@gmail.com

sahand.motlagh@gmail.com

milad.rabei@gmail.com

سردبیر: لیلیا یوسفی

همکاران سردبیر: سهند مطلق

یللا رابعر

زن آزاد

نشریه هفتگن - جنبش برابر رهااير زن